

تحریف و تصحیف و بدخوانی در «چهار عنصر» بیدل دهلوی

(تصحیح سیدضیاءالدین شفیعی)

* عبدالله ولی پور

** رقیه همتی

چکیده

بیدل دهلوی از شاعران بزرگ سبک هندی در سده یازده و دوازده هجری است که علاوه بر شاعری، در نثرنویسی نیز استادی قوی دست بود. «چهار عنصر» مفصل ترین و مهم ترین اثر منشور بیدل دهلوی است که همانند شعرش، غالباً مرموز، لغزگونه و آکنده از تصاویر تخیلی است. این کتاب در سالهای ۱۳۴۱ (کابل) و ۱۳۸۶ (تهران) چاپ شده است. هر دو چاپ بسیار مغشوش و پر از اشکالات گوناگون است. در ۱۳۹۲، سیدضیاءالدین شفیعی، مجدداً این اثر را تصحیح و چاپ کرد. با توجه به این که در این تصحیح نیز تحریفات، تصحیفات و بدخوانی های متعددی دیده می شود، نگارندگان مقاله حاضر سعی کرده اند بر اساس چهار نسخه خطی از این اثر ارزشمند، و مقایسه آن ها با تصحیح شفیعی، اهم اشکالات آن را باز نمایند و تصحیحاتی پیشنهاد کنند.

کلیدواژه ها: چهار عنصر، بیدل دهلوی، نثر سبک هندی، سیدضیاءالدین شفیعی

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۴

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) / abdollahvalipour@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور / hemmatiro@gmail.com

مقدمه

چهار عنصر یکی از ارزشمندترین آثار منثور ادب فارسی و مفصل‌ترین اثر منشور آمیخته به نظم بیدل دهلوی است. این اثر ادبی - عرفانی در اصل زندگی نامه خودنوشت بیدل یا، به تعبیری، اعترافات اوست و بیدل در این اثر، شرح حال و وقایع و سوانح مهم زندگی خود را از بدو تولد تا سال ۱۱۱۶ق شرح می‌دهد. کتاب به چهار بخش (عنصر) تقسیم می‌شود. وی در عنصر اول به شرح دوران کودکی خود، مرگ پدر و مادر، چگونگی به مکتب رفتن، روابطش با مشایخ و... می‌پردازد. در عنصر دوم در باب چگونگی سرایش اولین شعرش - که یک رباعی بود - و همچنین چند قالب از شعرهای دیگرش که سرودن آنها با اتفاقات عجیب و شنیدنی توأم بوده، سخن می‌گوید. عنصر سوم اختصاص دارد به چند مقاله ادبی و عرفانی و فلسفی که بیدل در زمان‌های مختلف آنها را نوشته و نوشتن آنها نیز همانند اشعار مورد بحث در عنصر دوم، همراه با اتفاقات شگفت‌انگیز بوده است. در عنصر چهارم هم باز به ذکر و شرح بعضی دیگر از وقایع و سوانح عجیب و غریب زندگی خود می‌پردازد. او در جای‌جای کتاب به بهانه‌های مختلف عقاید و اندیشه‌های عرفانی و فلسفی خود را بیان می‌کند و بدین‌گونه در ابعاد گوناگون، پرده از روی حقایق زندگی خود برمی‌دارد.

چهار عنصر به زبان کاملاً ادبی و شاعرانه نوشته شده و پر از استعارات و تشبیهات و کنایات بدیعی و ترکیبات تازه‌ساخت و خاص است. همین امر باعث شده که این اثر به راحتی قابل فهم نباشد و حتی در خیلی جاها بسیار پیچیده‌تر از شعر بیدل شود. به همین سبب، نظر و آرای منتقدان در مورد نثر بیدل، متناقض و توأم با افراط و تفریط‌های مبالغه‌آمیز است. عده‌ای از جمله خلیل‌الله خلیلی، صلاح‌الدین سلجوقی، حسین‌قلی خان (صاحب تذکره نثر عشق) و محمد افضل سرخوش (صاحب تذکره کلمات الشعراء) با تمجید از شیوه نثرنویسی بیدل، چهار عنصر را شاهد و گواه کمال استادی و تخیل لطیف او می‌گیرند و بعضی از منتقدان مانند حزین لاهیجی، محمدحسین آزاد (صاحب تذکره نگارستان فارس)، و نبی هادی، با ارائه نظری مخالف نظر منتقدان مذکور، بر نثر او خرده می‌گیرند.

چهار عنصر برای نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۴، در آخرین مجلد از کلیات چهارجلدی بیدل دهلوی با تصحیح خال محمد خسته و با مقدمه خلیل‌الله خلیلی در کابل چاپ شد. در ایران نیز برای اولین بار اکبر بهداروند، در سال ۱۳۸۶، این کتاب را با

عنوان آوازه‌های بیدل چاپ کرد که نگارنده این سطور در مقاله‌ای با عنوان «ناسازی‌های آوازه‌های بیدل» (کتاب ماه ادبیات، ش ۶۷، ص ۷۴-۷۹) این چاپ را نقد و بررسی کرده است. در سال‌های اخیر نیز سیدضیاءالدین شفیعی، این کتاب را با عنوان چهار عنصر بیدل بازنویسی و چاپ کرده است. مصحح، علی‌رغم این که می‌گوید یک دهه برای تصحیح و بازنویسی این کتاب وقت گذاشته، اشکالات چاپ‌های قبلی همچنان در تصحیح او باقی است، و به نظر نگارندگان این مقاله، با توجه به این که نثر بیدل خود بسیار پیچیده و دیرفهم است، این گونه چاپ‌های مغشوش و غیر علمی باعث می‌شود که علاقه‌مندان و بیدل‌پژوهان با این اثر ارزشمند، بیگانه بمانند و در فهم و تفسیر آثار او همچنان با مشکلات عدیده روبه‌رو باشند.

با توجه به این که چهار عنصر بیدل، تصحیح ضیاءالدین شفیعی، ایرادها و مشکلات بسیار زیادی دارد و در این مجال کوتاه نمی‌توان همه آن‌ها را بررسی کرد، نگارندگان این مقاله قصد دارند با استناد به چهار نسخه خطی از چهار عنصر بیدل به نقد و بررسی تصحیفات، تحریفات و بدخوانی‌های این چاپ بپردازند. مشخصات این نسخه‌ها بدین شرح است:

الف) نسخه «دا» کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۹۶۴۲؛ این نسخه در زمان حیات بیدل و به تاریخ ۱۱۳۰ق کتابت شده و صفحاتی از اول و آخر آن افتاده است. در پایان «عنصر اول» این عبارت نوشته شده است: «تمام شد عنصر اول میرزا بیدل رحمه الله علیه به تاریخ ۲۹ شهر محرم الحرام ۱۱۳۰ق».

ب) نسخه «۲۱د» کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۱۰۶ ادبیات؛ به خط نستعلیق کتابت شده و نام کاتب و محل کتابت آن معلوم نیست، اما در ترقیمه (انجامه) نسخه نوشته شده: «در یوم چهارشنبه شهر صفر المظفر در وقتی که صاحبی به تشریف‌فرمایی سفیر خیرات بود، قلم کردم، ۱۲۳۸ هجری».

ج) نسخه «مج»: این نسخه در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۵۵/۲ س س و شماره میکروفیلم ۸۴۴۹ موجود است؛ نام کاتب محمدعالم ابن آخوند ملا محمد شریف نمگانی، و نسخه به خط نستعلیق هندی کتابت شده است. تاریخ و محل کتابت آن بر نگارندگان معلوم نشد، اما در فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی

تاریخ کتابت این نسخه، سده ۱۲ ق ثبت شده است.

د) نسخه (مل): این نسخه که در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود، فاقد عنصر اول است و بر خلاف نسخه‌های قبلی، عنصرهای سه‌گانه آن در مجلدات مجزا از هم قرار گرفته‌اند. عنصر دوم (مل ۲) به شماره ۵-۷۳۳۱، عنصر سوم (مل ۳) به شماره ۵-۷۳۳۲ و عنصر چهارم (مل ۴) به شماره ۵-۷۳۲۹ می‌باشد. عنصرهای دوم و سوم این نسخه به تاریخ ۱۱۸۲ ق و عنصر چهارم به تاریخ ۱۱۸۳ ق به خط نستعلیق خوش، توسط حافظ محمد حبیب‌الله ابن حافظ محمد درویش، در حیدرآباد هند کتابت شده است.

در چهار عنصر، به تصحیح و بازنویسی سیدضیاءالدین شفیعی، تحریفات و تصحیفات و بدخوانی‌های بسیاری دیده می‌شود که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

الف) تحریفات:

۱. «روزی با همزادان در منزلی مشغول لعب طرازی بود» (بیدل، ۱۳۹۲: ۴۵). در متن شفیعی، کلمه «مشغول» هرچند از نظر معنایی با معنی جمله سازگاری دارد، ولی شکل صحیح آن در نسخه‌های خطی «مشغوف» است (همو، ۲۱: ص ۱۴) که به معنای بسیار خوشحال، و دیوانه محبت (نظام، ۱۳۶۲: ۱۵۴/۵) است. در تصحیح اکبر بهداروند هم «مشغوف» ضبط شده است (بیدل، ۱۳۸۶: ۳۵۴).

۲. «خداوند معنی «کرمنا» را به این کراحت لب گشودن، غشیان طبیعت گویایی» (همو، ۱۳۹۲: ۵۱).

در متن شفیعی، «غشیان» آمده است، در حالی که با توجه به معنی عبارت و نسخه‌های خطی، صورت صحیح باید «غثیان» باشد (همو، ۲۱: ص ۱۷) به معنی شوریدن دل، تقاضای طبیعت بر قی بی‌حرکت، منش بگردیدن از چیزی که طبع از آن نافر است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «غثیان»).

۳. «حکم الفقراء کنفس واحده» به مناسبت محرومیت، جهان کلی است، یعنی حضور نشئه وحدت» (بیدل، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

در متن شفیعی «محرومیت» آمده است که با معنی جمله سازگاری ندارد و با توجه به معنی و ضبط نسخ خطی «محرومیت» صحیح است (همو، ۱۱: ص ۷۴).

۴. «هنگام تبسم غنچه‌اش، شامه هم‌نفسان در بوی بهار می‌غلطید و دم تحریکِ برگِ گلش، دماغِ هم‌بستان بر شمیم ختن می‌پیچید» (همو، ۱۳۹۲: ۱۷۲).
- شفیعی، «هم‌بستان» آورده که بی‌معنی می‌نماید، و شکل درست آن در نسخ خطی «هم‌سبقان» ضبط شده است (همو، ۱۱: ص ۹۳) به معنی دو شاگردی که یک درس آموزند (حبیب، ۱۳۹۳: ۳۲۰).
۵. شفیعی آورده است: «اگر به خیال نثرپیرایی، نظمی ست از موج خیز هجوم لطافت، معنی خرام جاده تسلسل، اگر به غور نظم پروازی، نثری از جنون جولانی انداز روانی، به فکر افتاده پیش پای تأمل» (بیدل، ۱۳۹۲: ۲۶۷).
- و در این نوع خوانش، اولاً «نثرپیرایی» و «نظم پروازی» غلط است و صورت درست آن دو با توجه به معنی و تأیید نسخ خطی، «نثر، برآیی» و «نظم پردازی» است. ثانیاً «جنون-جولانی انداز روانی» صحیح است، نه «جنون جولانی انداز روانی». پس خوانش صحیح این دو جمله به این شکل است: «اگر به خیال نثر برآیی، نظمی است از موج خیز هجوم لطافت، معنی خرام جاده تسلسل؛ و اگر به غور نظم پردازی، نثری از جنون جولانی انداز روانی، به فکر افتاده پیش پای تأمل» (همو، ۱۱: ص ۱۴۱).
۶. «دعهم تعالی» (همو، ۱۳۹۲: ۲۹۵). در ویرایش شفیعی، «دعهم تعالی» آمده است، در حالی که بر اساس نسخ خطی (نک: همو، میج: گ ۱۵۱ر) و ضبط فرهنگ مؤثرات، این عبارت، قول مشایخ است و در منابع مربوطه به شکل «دَعْهُم و تَعَال» آمده است؛ یعنی نفس خویش را فروگذار و بیا (نک: صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۴۳).
۷. «امروز به کیفیت می‌آتش را باب رو شستن است و چون طوق فاخته از خاکستر حلق‌های سنبل، رستن. از بی‌نیازی‌های رطوبت هوا، خنجر سوسن زنگاری ست و از تافته‌گی‌های کوره، رنگ پیکان غنچه گلناری» (بیدل، ۱۳۹۲: ۳۱۴). در متن بازنوشته شفیعی، این دو سطر، بسیار مغشوش ضبط شده است که در آن صورت، مفهوم جملات مبهم می‌ماند و هیچ معنی مطلوبی از آن استخراج نمی‌شود. با مراجعه به نسخ خطی موجود، این جملات به این شکل تصحیح شدند: «امروز به کیفیت می، آتش را به آب رو شستن است؛ و چون طوق فاخته، از خاکستر حلقه‌های سنبل رستن. از بی‌نیامی‌های

رطوبت هوا، خنجر سوسن، زنگاری است؛ و از تافتگی‌های کوره رنگ، پیکان غنچه، گلناری» (همو، مل ۳: ۳۱-۳۲).

۸. «معنی تا صورت لفظ نسبت، چهره تحقیق نگشود؛ و شخص تا به صفت نپیوست، آینه یقین نزدود» (همو، ۱۳۹۲: ۳۶۵). در متن بازنوشتۀ شفیعی، «صفت» و «یقین» آمده است که در ابتدا شاید به نظر موجه جلوه کند، ولی با تعمق در معنی جمله درمی‌یابیم که ضبط شفیعی اشتباه است و با توجه به ضبط نسخ و معنی جمله، «صنعت» و «تعیین» صحیح است (همو، دا: ۱: ص ۱۹۵ و دا: ۲: ص ۲۱۰). با توجه به این که از منظر عرفان اسلامی و خصوصاً عرفان ابن عربی، انسان، جلوه‌ای از صفات الهی است، از این روی بیدل نیز که یکی از پیروان سرسخت عرفان ابن عربی بوده است، می‌گوید: تا زمانی که شخص جلوه‌گاه صفات خداوند نشده باشد، تعیین و موجودیت نیافته است.

۹. «هر کجا کوی پیش می‌آمد، آغوش لحدی می‌پرداخت» (همو، ۱۳۹۲: ۴۱۷).

در متن شفیعی «کوی» آمده است که بی‌ربط و نامفهوم است. در نسخ خطی «گوی» ضبط شده است (همو دا: ۲: ص ۲۴۴) به معنی مفاک، گود، گودال، چاله، حفره و... (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «گوی») که با توجه به معنی و قراین جمله، صحیح است.

۱۰. شفیعی جمله پیش‌رو را به این شکل خوانده است: «با کمال پرکاری‌های یک عالم حسن نیرنگ، نه از نقش آدم‌دران، گرد تمثالی، و نه از نشان حیوان‌دران، مکان گنجایش خیالی» (بیدل، ۱۳۹۲: ۴۱۹) که در این صورت معنی جمله کاملاً مبهم می‌ماند و هیچ مفهوم مطلوبی از آن استخراج نمی‌شود. با توجه به ضبط نسخ و قراین موجود باید به این شکل خوانده شود: «با کمال پرکاری‌های یک عالم حسن نیرنگ، نه از نقش آدم، در آن، گرد تمثالی؛ و نه از نشان حیوان، در آن مکان، گنجایش خیالی» (همو، دا: ۲: ص ۲۴۶).

۱۱. «نظر بازان کارگاه تسلیم و رضا، یعنی آن دو خادم متحیر بی‌دست و پا، در خانه به فضل اعتماد توکل بسته بودند» (همو، ۱۳۹۲: ۴۲۴). در نسخ خطی به جای «فضل اعتماد»، «قفل اعتماد» ضبط شده است (همو، دا: ۲: ص ۲۵۰) که با توجه به معنی جمله صحیح است.

۱۲. «هر چند یک گروه بیش دور نبودیم، پس از ...» (همو، ۱۳۹۲: ۴۲۵).

در متن شفیع، «گروه» آمده است؛ ولی با توجه به ضبط نسخ خطی و تأیید فرهنگ‌های لغت، «گروه» صحیح است (نک: همو، دا: ۲۱: ص ۲۵۱) که بنا به نوشته فرهنگ نظام «مسافت قریب دو میل که سه هزار و پانصد و بیست گز است» (نظام، ۱۳۶۲: ۴/۲۳۸). ضیاءالدین شفیع، در همه‌جای کتاب، «گروه» را «گروه» ضبط کرده که اشتباه است (نک: بیدل، ۱۳۹۲: ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۴۴، ۴۴۶ و ...).

برای مشاهده موارد مشابه دیگر در حوزه تحریفات، به پیوست «الف» در انتهای مقاله رجوع شود.

ب) تصحیفات:

۱. «القصه به خاک آرمیدنش، دستی بود دامن وارستگی به چنگ...» (همان، ۴۹). در ویرایش شفیع «دستی» به همین شکل آمده است، در حالی که در نسخه‌ها «دستی» ضبط شده و این درست است (رک همو، دا: ۲۱: ص ۱۶)؛ زیرا «دشت» و «صحرا» به خاطر وسعت و گشادگی اش به وارستگی مشهور است. بیدل در غزلی گوید:

چو دشت، تنگی اخلاق زیب مشرب نیست جبین گرفته به دست گشاده دامن ما
(همو، ۱۳۹۳: ۳۸۷)

یا در جای دیگر گوید:

چاکِ گریبان ما سینه به صحرا گشود تنگی خلقِ جنون این همه وسعتگر است
(همان، ۶۰۵)

۲. «سخنان شاه ملوک از عالم بی‌رنگی و عرفان بود. در بدایت اتفاق صحبت‌ها، روزی فقیر، سامع کلماتِ نیرنگی آیتش بود» (همو، ۱۳۹۲: ۶۳).

با توجه به جمله مذکور، شفیع ترکیب مشخص شده را به صورت «نیرنگی آیتش» خوانده است، در حالی که با توجه به معنی و نسخ خطی «بیرنگی آیتش» درست است (همو، دا: ۲۱: ص ۲۴). لازم به ذکر است که بی‌رنگی آیات یعنی: پاک، بی‌آلایش و بی‌ریا. در عرفان بیدل، رنگ نشانه توجه و علایق به عالم محسوسات و مادیات است و در زبان و ادب دری، رنگ معادلِ ریا و دورویی است و بیرنگی به معنای راستی و صداقت (نک: عمر، ۱۳۸۷: ۵۴).

۳. «کوچه دادن رود نیل و تخت‌آرایی ساختِ هوا، چمن‌سازیِ شعله آتش... شهادت تعلیمی زبانِ حجر...» (بیدل، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

با توجه به جمله مذکور، شفیع، کلمات برجسته را به صورت «ساخت هوا» و «زبان حجر» آورده که با توجه به نسخ خطی و معنی عبارات، باید «ساحتِ هوا» و «زبان حجر» باشد (همو، مع: گ ۵۷ پ). لازم به ذکر است که همه موارد مذکور، اشاره به معجزات پیامبران دارد. «تخت‌آرایی ساحتِ هوا» تلمیح دارد به حمل تخت حضرت سلیمان بر دوش باد (نک: شمیسا، ۱۳۷۵: ۳۳۳) و «زبان حجر» تلمیح دارد به این که «مورخین ضمن معجزات حضرت رسول^(ص) آورده‌اند که احجار (= سنگها) بر پیامبر سلام می‌کردند و سنگریزه‌ها در کف آن حضرت بر حقانیت رسالتش گواهی دادند» (همان، ۵۲۱).

۴. «این جا در ستایشِ استقلال یعنی حضور مرتبه تحقیق "لو کُشف الغطاء مازدتُ یقیناً" مخبر است و در نفرین انقلاب یعنی تفرقه عالم تقلید "کیف کان عاقبة لمکذبین" مشعر» (بیدل، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

در ویرایش شفعی «مخبر» آمده، در حالی که با توجه به معنای آن و نیز ضبط نسخ خطی، «مُخبر» صحیح است (همو، ۱۱: ص ۹۷). البته در این عبارت، علاوه بر مورد مذکور، عبارت عربی «مازدتُ» از حدیث شریف امام علی (نک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۱۹) و واژه «المکذبین» در آیات قرآن (نحل/۳۶، آل عمران/۱۳۷، مزمل/۱۱) نیز اشتباهاً «مازدت» و «لمکذبین» ضبط شده است. صورت صحیح عبارت به این شکل است: «این جا در ستایشِ استقلال یعنی حضور مرتبه تحقیق «لو کُشف الغطاء مازدتُ یقیناً» مُخبر است و در نفرین انقلاب یعنی تفرقه عالم تقلید (کیف کان عاقبة المکذبین) مشعر».

۵. «فراهم چیدن اُتقال، هر طرف قلعه دیگر احداث کرده، به کیفیتی که مگس هم جای نشستن، خالی نمی‌یافت؛ و سایه تیر راه غلطیدن به پهلو نمی‌شکافت» (بیدل، ۱۳۹۲: ۴۴۴). در متن شفعی «سایه تیر» آمده است، در حالی که با توجه به نسخ خطی و معنی جمله «سایه، نیز» صحیح است (همو، مل ۴: ص ۶۴).

برای مشاهده موارد مشابه دیگر در حوزه تصحیفات، به پیوست «ب» در انتهای مقاله

رجوع شود.

ج) بدخوانی‌ها:

علاوه بر تحریفات و تصحیفات بسیار، شفیع‌ی گاهی هم با آوردن علایم سجاوندی در جاهای نامناسب، جداسازی کلماتی که باید به صورت مرکب خوانده می‌شد، ترکیب کلماتی که باید به شکل جدا از هم ضبط می‌شد، اعراب‌گذاری اشتباه کلمات، جابه‌جایی کلمات و... معنای جملات را در هاله‌ای از ابهام باقی گذاشته است. این‌گونه بدخوانی‌ها بسیار زیاد است، و نگارندگان تنها به اهم آن‌ها اشاره کرده‌اند. در این بخش، برای درک بهتر مخاطبان، زیر قراین و سرنخ‌هایی که صحت ضبط ما را توجیه می‌کند، خط کشیده شده است.

۱. شفیع‌ی در جمله، ترکیب «طاق‌داری» را به صورت اشتباه «طاق‌داری» (نک: بیدل، ۱۳۹۲: ۳۹) خوانده است، در حالی که با توجه به معنی «طاق‌داری» (= «طاق») در لغت نوعی کلاه است و طاق‌داری یعنی کلاه طاقی بر سر نهادن ← دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «طاق») و قراین موجود، متوجه می‌شویم که شکل درست کلمه باید «طاق‌داری» باشد. «تارکِ عرش‌سایش از جامه‌خانه ظهور، چون آسمان به طاق‌داری پرداخته؛ و دوش آزادی‌لوازش، از ملبوسات‌تعیّن، چون صبح با صافی‌ردایی در ساخته» (بیدل، مج: گ ۷پ).
۲. شفیع‌ی در این جمله: «ساز بی‌تعلق‌اش، چون بوی گلِ مشتهر بلندآوازی و نهال آزادی‌اش، چون نسیم بهار گلفروش، صدچمن تازگی» (بیدل، ۱۳۹۲: ۴۸) «گل» را مضاف «مشتهر» و «گلفروش» را جدای از «صدچمن» خوانده است، در حالی که باید به این شکل خوانده شود: «ساز بی‌تعلق‌اش، چون بوی گل، مشتهر بلندآوازی؛ و نهال آزادی‌اش، چون نسیم بهار، گلفروش صدچمن تازگی» (همو، مج: گ ۱۲پ).
۳. شفیع‌ی جمله ذیل را کلاً مشوش خوانده و لذا هیچ معنای مطلوبی از آن حاصل نمی‌شود: «وقتی در معبر دریای گنگ که به عمق اندیشی، ظرف قطره‌اش کشتی هوش گردابی‌ست و به طوفان خیالی، رشحه موجش، خانه اندیشه سیلابی» (همو، ۱۳۹۲: ۷۱)؛ در حالی که به این شکل باید خواند تا به معنی مطلوب بینجامد: «وقتی در معبر دریای گنگ، که به عمق اندیشی ظرف قطره‌اش، کشتی هوش، گردابی است؛ و به طوفان خیالی رشحه موجش، خانه اندیشه، سیلابی» (همو، دا: ص ۲۹).
۴. شفیع‌ی خوانده است: «به فیض، دست از رغبت طعام کشیدن ممکن نیست، که

آدمی ملک برنیاید و به یمن، دامن از غبار ائقال چیدن، پستی فطرت بال عروج نگشاید» (همو، ۱۳۹۲: ۱۰۰) که در این صورت معنی مطلوبی از آن به دست نمی‌آید، و باید به این شکل خوانده شود: «به فیض دست از رغبتِ طعام کشیدن، ممکن نیست که آدمی ملک برنیاید؛ و به یمن دامن از غبار ائقال چیدن، پستی فطرت، بال عروج نگشاید» (همو، ۲۱: ص ۴۶).

۵. شفیی در جمله زیر، ترکیبِ اضافه «تارِ نگاه» را به شکل «تار، نگاه» (نک: همو ۱۳۹۲: ۱۸۴) ضبط کرده است؛ در حالی که با توجه به معنی جمله و بسامد بالای این ترکیب در آثار بیدل، شک نیست که عبارت مذکور باید به صورت ترکیبِ «تارِ نگاه» خوانده شود. این ترکیب به همراه، «خطِ نگاه» در آثار منظوم و منثور بیدل کاربرد بالایی دارد و نوعی اضافه تشبیهی محسوب می‌شود که بیدل با آن مسیر نگاه را به خطی مستقیم یا تار و نخ‌ی بلند همانند می‌کند. مثلاً:

همواری از طبیعتِ روشن نمی‌رود تار نگاه را نبود، تاب در نظر
(همو، ۱۳۸۴: ۶۷۸/۱)

گر از تارِ نگاهم ناله برخیزد، عجب نبود

به چشم خود گره گردیده اشکی چون جرس دارم

(همان، ۱۳۵۳/۲)

یا: «مژه‌وار سر از جیبِ غنودن به در آورد و به نزاکتِ صداهای تارِ نگاه، نوایی سر کرد» (همو، ۱۳۹۲: ۱۸۴).

۶. شفیی در سطور ذیل، ترکیب‌های اضافی «طوفانِ آتشی»، «خشنِ کارگاه»، «کسوتِ آفاق‌تسخیری» و «گوهرِ نویدش» را به شکلِ مرکبِ «طوفانِ آتشی»، «خشنِ کارگاه»، «کسوتِ آفاق» و «گوهرِ نویدش» آورده است (نک: همان، ۲۱۸) که کاملاً اشتباه است. باید به این شکل خوانده شود: «نسیمِ گلشنِ لطفش تا به شورش پری افشانند، دمِ ازدهایی است مردم‌خوار؛ و زلالِ چشمه‌الشفاتش تا پهلوی موج گرداند، طوفانِ آتشی، بی‌زنهار. مساسِ عبارات طعن از اثرِ درشتی‌اش خشنِ کارگاهِ دلگیری؛ و تفتیشِ معانی خلق به ظهورِ ملایمتش، حریرِ کسوتِ آفاق‌تسخیری. به ایثارِ گوهرِ نویدش، گوش‌ها، گنج‌خانه و دیعتِ اسرار و...» (همو، مل ۲: ص ۲۳).

۷. در متن شفيعی آمده است: «شاهد معنی را اگر در کسوت نظم نازش تنگ قبایی ست، در نثر به رازش آغوش گشایی» (همو، ۱۳۹۲: ۳۰۵). در این خوانش، اولاً اسم مصدر «بَرَاژش» به معنی برآزندگی و شایستگی، به صورت متمم قیدی «به رازش» ضبط شده است، و ثانیاً بر اساس نسخ خطی و قراین موجود، کلمه «لباس» از جمله ساقط شده است. صورت صحیح جمله این است: «شاهد نظم را اگر در کسوت نظم نازش تنگ قبایی ست، در لباس نثر بَرَاژش آغوش گشایی» (همو، ۱۱: ص ۱۶۰).

۸. در متن شفيعی دو جمله ذیل به شکل مغشوش ضبط شده است: «اعتماد بر رشته نفس از وحشت برق و نگ، شتاب‌شناسی ست و تکیه بر فرصت نگاه از شوخی شرر مدت، ابدآقتباسی» (همو، ۱۳۹۲: ۳۱۷) و ما با مراجعه به نسخ چهارگانه چهار عنصر، آن را به این شکل تصحیح کرده‌ایم: «اعتماد بر رشته نفس، از وحشت برق، درنگ شتاب‌شناسی است؛ و تکیه بر فرصت نگاه، از شوخی شرر، مدت ابدقیاسی» (همو، مل ۳: ص ۳۳).

۹. شفيعی دو سطر زیر را که در اصل دو جمله کوتاه است در ادامه شعری با قالب قطعه آورده است:

«الغرض، هر جا سخنی است، بی معنی افاده مباد

و هر کجا خامشی است، انفعال گفتگو مبیناد»

(همو، ۱۳۹۲: ۳۵۳)

در حالی که ردیف و قافیه قالب شعری از یک سو، و وزن و فعل‌هایی که این دو جمله کوتاه به آن ختم می‌شوند، از سوی دیگر، به خوبی نشان می‌دهند که این دو جمله، نثر هستند و نه دو مصرع. صورت درست دو جمله این است: «الغرض، هر جا سخنی است، بی معنی افاده مباد؛ و هر کجا خامشی است، انفعال گفتگو مبیناد».

برای مشاهده موارد مشابه دیگر در حوزه بدخوانی‌ها، به پیوست «ج» در انتهای مقاله رجوع شود.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که متأسفانه تازه‌ترین تصحیح کتاب ارزشمند چهار عنصر بیدل دهلوی، همانند چاپ‌های قبلی، پر از اشکالات و ایرادات

مختلف است و بنابراین، نیاز به تصحیحی انتقادی - علمی از این اثر همچنان احساس می‌شود. عواملی، از قبیل اعمال سلیقه کاتبان و ضبط اشتباه کلمه، ناخوانایی کلمه در نسخ خطی و تصحیح ذوقی و اشتباه مصحح، اشتباهات تایپی و...، سبب بروز تحریفات و تصحیفات متعدد در این اثر شده است. همچنین آوردن علایم سجاوندی در جاهای نامناسب، جداسازی کلماتی که باید به صورت مرکب خوانده می‌شد، ترکیب کلماتی که باید به شکل جدا از هم ضبط می‌شد، اعراب‌گذاری اشتباه کلمات، جابه‌جایی کلمات و... از جانب مصحح، موجب بدخوانی‌هایی شده است. نگارندگان این مقاله کوشش کرده‌اند با نگاهی دوباره به چهار نسخه خطی این اثر - که در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود - و همچنین با توجه به برخی از ویژگی‌های سبکی بیدل، صورت صحیح برخی از کلمات و عبارات و جملات تحریف و تصحیف شده را پیدا کنند، و با تعمق در معنی کلام، و اصول و ویژگی‌های سبکی نثر بیدل، خوانشی صحیح از برخی بدخوانی‌های مصحح، به دست دهند.

پیوست الف: (تحریفات)

صفحات چهار عنصر	نادرست	درست	صفحات نسخ
۲۴	عاجز مآلی	عاجز نالی	۲۱د: ص ۲
۶۹	اسکان	امکان	مع: گ ۲۳ پ
۷۶	طبع مایل	طبع سایل	مع: گ ۲۷ پ
۷۶	به کسب موافقت	به حسب موافقت	مع: گ ۲۷ پ
۷۶	سبحه‌واری عقیده تعجب	سبحه‌وار عقده تعجب	مع: گ ۲۷ پ
۸۷	تکمیل مقامان	تمکین مقامان	مع: گ ۳۳ پ
۱۰۷	خامه‌دار	خامه‌وار	مع: گ ۴۵ ر

۱۱۰	حقیقتِ آشوبِ حرارت	تخفیفِ آشوبِ حرارات	مج: گ ۴۷ر
۱۲۳	یفضل الله	یَفْعَلُ اللهُ	۲۱د: ص ۶۱
۱۲۶	تورِ تافته	تنورِ تافته	مج: گ ۵۹پ
۱۲۹	سُعَاتِ زمینِ بوس	سَعَادَتِ زمینِ بوس	۲۱د: ص ۶۵
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۹ و ۱۴۴	توجه	نوحه	۲۱د: ص ۶۶، ۶۸، ۷۲، ۷۵
۱۳۱	حدودش	حدوثش	۲۱د: ص ۶۷
۱۳۳	رحیم	حمیم	۲۱د: ص ۶۸
۱۳۴ و ۱۳۷	افسون	افسوس	۲۱د: ص ۶۹، ۷۱
۱۳۶	پیراهن	پیرامن	۲۱د: ص ۷۰
۱۳۸	هم معنایی	هم عنانی	۲۱د: ص ۷۱
۱۴۰	سزاوارِ ستایشِ مفت	سزاوارِ ستایشِ عفت	۲۱د: ص ۷۲
۱۴۰	دم از محبتِ دره‌ای	دم از محبتِ زده‌ای	۲۱د: ص ۷۲
۱۴۰	نگو هرزه‌گویی	ننگِ هرزه‌گویی	۲۱د: ص ۷۳
۱۴۳	عبارت	غبارت	۲۱د: ص ۷۵
۱۴۳	موت	مردنت	۲۱د: ص ۷۵
۱۴۳	مُعَادَت	سَعَادَت	۲۱د: ص ۷۵

۱۴۳	وحشت خاک	مشت خاک	دا: ۲ ص ۷۵
۱۴۷	مست توست	مفتِ توست	دا: ۲ ص ۷۷
۱۵۲	آنقدر رها	این قدرها	دا: ۲ ص ۸۰
۱۵۳	دماغِ دوش	دماغِ هوش	دا: ۲ ص ۸۱
۱۷۵	مژدهٔ دوخته	مژدهٔ دوخته	دا: ۲ ص ۹۴
۱۷۶	خواصِ انبیا	خواصِ اشیاء	دا: ۲ ص ۹۴
۱۸۴	پررانه‌اش	پروانه‌اش	دا: ۲ ص ۹۹
۱۸۶	روشن سوار	روشن سواد	دا: ۲ ص ۱۰۱
۱۸۷	خاصهٔ بهزاد	خامهٔ بهزاد	دا: ۲ ص ۱۰۱
۱۹۱	غباری بیش نیست	غبار بیش است	دا: ۲ ص ۱۰۴
۲۱۳	منقارِ نگین‌نوازی	منقارِ رنگین‌نوازی	دا: ۲ ص ۱۱۷
۲۱۴	هنوز	هنود (= هندیان)	دا: ۲ ص ۱۱۷
۲۱۴	بلدهٔ مترا	بلدهٔ متّهرا	مل: ۲ ص ۲۱
۲۱۶	مهی نیست	می نیست	مل: ۲ ص ۲۲
۲۲۷	مهیای	مهابتی	مل: ۲ ص ۲۹
۲۱۹ و ۲۲۷	بی‌تابی	بینایی	مل: ۲ ص ۲۹ و ۲۴

۲۲۷	بی‌روانی	پیروان	مل: ۲: ص ۲۹
۲۲۸	عقده‌های زمین‌گیری	عقده‌های زمین‌گیری	مل: ۲: ص ۳۰
۲۷۱	ارغوان بهار، نسق طراوت شگفت	از عنوان بهار، نسق طراوت شگفت	مل: ۳: ص ۳
۲۷۲	مشروع	مشروح	مل: ۳: ص ۴
۲۷۵	خامه یک نیزه ناله نی جسته	خامه یک نیزه ناله جسته	مل: ۳: ص ۵
۲۷۸	به درد شمع‌های...	به دور شمع‌های...	دا: ۱۱: ص ۱۴۶
۲۸۷	نقد می‌پردازد	نقد می‌پندارد	دا: ۱۱: ص ۱۵۰
۲۹۱	پیچ موج	پیمچش موج	دا: ۱۱: ص ۱۵۲
۲۹۶	چهره به غیر اندودن	چهره به قیر اندودن	مل: ۳: ص ۱۸
۲۹۹	این بردگان	این بد رگان	مع: گ ۱۵۴ ر
۳۰۰	از قفای فرض	از قضای فرض	مع: گ ۱۵۵ ر
۳۰۲	باب کردن زدن	قابل گردن زدن	مع: گ ۱۵۶ ر
۳۱۱	افکار جهان	انکار جهان	مع: گ ۱۶۲ پ
۳۴۷	آفت سر دیده‌اند	آفت سر دروده‌اند	مع: گ ۱۸۳ ر
۳۴۹	بی‌بضیری	بی‌بصری	مع: گ ۱۸۴ ر
۳۵۱	معتقدان پوست	مقتیدان پوست	مع: گ ۱۸۶ ر

۳۶۰	سعود این بخار	سعود این بخار	مع: گ ۱۹۰ ر
۳۶۷	زد دود صد فاش و نهان	زد در صد فاش و نهان	۲۱د: ص ۲۱۲
۳۷۳	حوصله و روزی	حوصله و روزی	مل: ۴ ص ۱۳
۳۷۳	ولی اختیار	و بی اختیار	مل: ۴ ص ۱۳
۳۷۸	غبار انگور	غبار انگیز	مل: ۴ ص ۱۶
۳۸۵	ناموزنی میانش	ناموزنی هیاتش	مل: ۴ ص ۲۱
۳۸۷	در سایه پستی	در سایه نی پستی	مل: ۴ ص ۲۳
۳۹۷	مضمه ساز بیدلی	مضمم ساز بیدلی	مل: ۴ ص ۳۰
۳۹۸	التزام تأمل	التزام تأهل	مل: ۴ ص ۳۱
۳۹۸	طلبه عطار	طلبه عطار	مل: ۴ ص ۳۱
۴۱۹	چهره گل	مُهره گل	مل: ۴ ص ۴۷
۴۲۳	از هر بن مریش	از هر بن مویش	مل: ۴ ص ۴۹
۴۲۵	درهای توهم می گشاد	درهای زخم می گشاد	مل: ۴ ص ۵۱
۴۲۵	به چیدن های اشک	به چکیدن های اشک	مل: ۴ ص ۵۱
۴۲۸	چاهیده بود	چائیده بود	۲۱د: ص ۲۵۳
۴۳۵	خواجه شاه محمود	خواجه شاه محمد	مل: ۴ ص ۵۸

۴: ص ۶۰	معموره مَهْتَرَا	معموره مهترا	۴۳۹
۴: ص ۷۰	سایه‌ای	مایه‌ای	۴۵۲
۴: ص ۷۱	مغتنم آگاهی	منتنم آگاهی	۴۵۳
۴: ص ۷۱	بیرون دماند	بیرون نماند	۴۵۳
۴: ص ۷۱	اختیاری نیست	اعتباری نیست	۴۵۳
۴: ص ۷۱	اَوَلت مژگان گشاید	دولت مژگان گشاید	۴۵۳
۴: ص ۷۴	اقبال مفقود	اقبال مفتود	۴۵۸
۴: ص ۷۴	مبارک باد امن	مبارک باد دامن	۴۵۸

پیوست ب: (تصحیفات)

صفحات چهار عنصر	نادرست	درست	صفحات نسخ
۳۹	وارستگی بیناد	وارستگی بنیاد	مج: گ ۷ پ
۴۵	دواینده است	دوآینده است	مج: گ ۱۱ پ
۵۴	پیش نتوان برد	بیش نتوان برد	مج: گ ۱۵ ار
۵۵	ترکِ فصول	ترکِ فضولی	۲۱د: ص ۲۰
۵۷	تن آسایی	تن آسانی	مج: گ ۱۶ ار
۶۳	پیکر چندین نیستان	شکر چندین نیستان	۲۱د: ص ۲۴
۶۸	ناب جرعه تقریر	تاب جرعه تقریر	۲۱د: ص ۲۷

۳۱: ۲۱د	میوه و ثقل	میوه و نقل	۷۵
۴۳: ۲۱د	به پشتِ تیر، سینه موج بگردانید	به پشتِ تیر، سینه موج بگردانید	۹۵
۵۱: ۱۱د	اگر کودتیت در مزاج ارباب دول مضمَر نباشد	اگر کودنی ات در مزاج از باب دول مضمَر نباشد	۱۲۰
۱۰۴: ۱۱د	نباشد بار ما	نباشد یار ما	۱۹۲
۱۱۳: ۱۱د	نامدارِ آگاهی	تا مدار آگاهی	۲۱۱
۳۲: ۲: ص	دادِ توأمی داد	داد نوا می داد	۲۳۳
۴۰: ۲: ص	آب و هواست	آب و هوا	۲۴۶
۴۰: ۲: ص	چون چرخ، بخار و خلقی از ما موجود	چون چرخ و بُجار از ما موجود	۲۴۶
۵۰: ۲: ص	کبابِ تصور	کتابِ تصور	۲۶۱
۱۱: ۳: ص	عقدۀ بخلت به تارِ شوق چند	عقدۀ نخلت نیازِ شوق چند	۲۸۵
۱۵: ۳: ص	چون پیش شد	چون پیش شد	۲۹۱
۱۵: ۳: ص	قوتِ اندیشه‌ای	فوتِ اندیشه‌ای	۲۹۱
۱۶: ۳: ص	از هستی ذات یا ز معدومی خویش	از هستی ذات یار معدومی خویش	۲۹۲
۱۹: ۳: ص	دشت سودایی	دست سودایی	۲۹۶
۱۵۷: ۱۱د	آثارِ پیوست نامش	آثارِ پیوست، نامش	۳۰۰
۲۵: ۳: ص	قبضِ حقیقتِ نثر، واشمردن	فیضِ حقیقتِ بیشتر، واشمردن	۳۰۵
۲۶: ۳: ص	نقشِ فریب	نقشِ فریت	۳۰۷
۲: ۴: ص	از نگاه می‌روید	از نگاه می‌روید	۳۵۸
۲۱۴: ۲۱۴ و سوره ق/ ۱۵	لبسِ من خَلقِ جدید	لبسِ من خَلقِ جدید	۳۷۰

۲۲۴: ص ۲۱د	سینه	سینه	۳۸۷
۲۳۱: ص ۲۱د	فصد و حجامت	فصد و حجامت	۳۹۸
۲۳۵: ص ۲۱د	حرق آثار	حرق آثار	۴۰۳
۴۷: ص ۴: مل	تمثالِ زنگی	تمثالِ رنگی	۴۲۰
۵۶: ص ۴: مل	عبارت این اشفاق	عبارت این اشفاق	۴۳۳

پیوست ج: (بدخوانی ها)

صفحات چهار عنصر	نادرست	درست	صفحات نسخ
۲۷	تا سایه رنگ هستی نزداید	تا سایه، رنگ هستی نزداید	۲۱د: ص ۴
۳۰	بر قیّمه مکتب بیدلی رسانید	به رقیّمه مکتب بیدلی رسانید	۲۱د: ص ۶
۳۵	تا به سراغِ گِلت رسد	تا به سراغِ گِلت رسند	۲۱د: ص ۸
۳۵	کدورتِ اقتباسی	کدورتِ اقتباسی	۲۱د: ص ۸
۳۷	بامداد تربیتش	به امدادِ تربیتش	۲۱د: ص ۹
۳۹	از کمالِ تعلیمی اساتذّه معنوی	از کمالِ تعلیمی اساتذّه معنوی	۲۱د: ص ۱۰
۳۹	با جمالِ توجه‌شان	به اجمالِ توجه‌شان	۲۱د: ص ۱۰
۳۹	به طاقیِ داری پرداخته	به طاقیِ داری پرداخته	۲۱د: ص ۱۰
۴۶	زبانِ حقایقِ تصنیف	زبانِ حقایقِ تصنیف	۲۱د: ص ۱۴
۵۱	که آهنِ طبیعتان	کاهنِ طبیعتان	معج: گ ۱۴، ۲۱د: ص ۱۷
۵۴	سَبّحه	سَبّحه	۲۱د: ص ۱۹
۵۵	کُلْفَت	کُلْفَت	۲۱د: ص ۲۰

۶۱	با حرام	به اِحرام	۲۱د: ص ۲۲
۶۶	وارسید آینه ادراک	وارسید، آینه ادراک	۲۱د: ص ۲۶
۶۶	مداین سلسله	مدّ این سلسله	۲۱د: ص ۲۶
۶۶	زبان، الهام ترجمان	زبان الهام ترجمان	۲۱د: ص ۲۶
۶۹	نشئه چراغ	نشئه، چراغ	۲۱د: ص ۲۷
۸۸	بیدل را ابر رسایی ها می ستود	بیدل را به رسایی ها می ستود	۱۱د: ص ۳۴، ۲۱د: ص ۳۸
۱۰۰	به یمن، دامن از غبار اقبال چیدن	به یمن دامن از غبار اقبال چیدن	۲۱د: ص ۴۶
۱۰۵	خَم ریخت	خُم ریخت	۲۱د: ص ۴۹
۱۲۰	از حبس دو آمت و اخیردیم	از حبس دوامت و اخیردیم	۱۱د: ص ۴۳، ۲۱د: ص ۴۹
۱۴۴	از فقر ادعاست و از حق عطا	از فقرا دعاست و از حق عطا	۲۱د: ص ۷۵
۱۴۴	ترکی	ترکی	۲۱د: ص ۷۵
۱۸۳	کمان خانه ای پیچش انگیز و بس	کمان، خانه ای پیچش انگیز و بس	۱۱د: ص ۹۹، ۲۱د: ص ۹۹
۱۹۶	بربط زیر و بم سازها	به ربط زیر و بم سازها	مج: گ ۹۹ پ، مل ۲: ص ۱۱
۱۹۶	زهره نسب	زهره نسب	مل ۲: ص ۱۱، مج: گ ۹۹ ر
۱۹۹	چمن دلی که	چمن، دلی که	مج: گ ۱۰۱ ا، مل ۲: ص ۱۳
۱۹۹	فلک سری که	فلک، سری که	۲۱د: ص ۱۰۹، ۱۱د: ص ۱۰۸
۲۰۸	بر رنگینی اتمام رسید	به رنگینی اتمام رسید	مل ۲: ص ۱۸، مج: گ ۱۰۶ پ، ۱۱د: ص ۱۱۲، ۲۱د: ص ۱۱۴
۲۱۵	در عالم تدبیر، نفس، افسون طراز آن آب گردید	در عالم تدبیر، نفس افسون- طراز آن آب گردید	۲۱د: ص ۱۱۸، ۲۱د: ص ۱۱۵، مل ۲: ص ۲۲، مج: گ ۹۹ ر

۲۳۸	مواد، کُلفت	موادِ کُلفت	۲۱د: ص ۱۳۱، مل ۲: ص ۳۵
۲۳۸	صِدَاع	صُدَاع	۲۱د: ص ۱۳۱، دا: ۱۱: ص ۱۲۷
۲۶۹	شمعِ تحقیق، تَوَهَّمِ روشن کن	شمعِ تحقیق، توهّم روشن کن	مل ۳: ص ۱، مج: گ ۱۳۷، دا: ص ۲۱، ص ۱۴۹
۲۷۴	عرض رازش به خامه نایِ دراست	عرض رازش به خامه ناپید راست	مل ۳: ص ۵، دا: ۲۱: ص ۱۵۳، دا: ص ۱۴۵
۳۱۴	مَرُوحَه	مِرُوحَه	۲۱د: ص ۱۷۹
۳۲۲	مثنوی	قطعه	مل ۳: ص ۳۷، دا: ۲۱: ص ۱۸۵
۳۲۲	قطعه	مثنوی	مل ۳: ص ۳۸، دا: ۲۱: ص ۱۸۵
۳۴۰	قطعه	غزل	مل ۳: ص ۴۹
۴۱۵	آه اگر ننگِ بدن جا می‌کشد آغاز مرد	آه اگر ننگِ بدن انجامی‌کشد آغاز مرد	۲۱د: ص ۲۴۳، مل ۴: ص ۴۳
۴۳۳	این همه زحمت کرانه می‌کند	این همه زحمت کرا نمی‌کند	۲۱د: ص ۲۵۶، مج: گ ۲۳۸ پ

منابع

- بیدل دهلوی، عبدالقادر. چهار عنصر، نسخه خطی به شماره (۹۶۴۲) کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، (مورخ ۱۱۳۰ق).
- چهار عنصر (عنصر دوم)، نسخه خطی به شماره (۵ - ۷۳۳۱) کتابخانه ملی، (مورخ ۱۱۸۲ق).
- چهار عنصر (عنصر سوم)، نسخه خطی به شماره (۵ - ۷۳۳۲) کتابخانه ملی، (مورخ ۱۱۸۲ق).
- چهار عنصر (عنصر چهارم)، نسخه خطی به شماره (۵ - ۷۳۲۹) کتابخانه ملی، (مورخ ۱۱۸۳ق).

- _____ . چهار عنصر، نسخه خطی به شماره (۱۰۶ اب. ادبیات) کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران. (مورخ ۱۲۳۸ق).
- _____ . چهار عنصر، نسخه خطی به شماره (۲/۱۳۵۵س س)، شماره میکروفیلم (۸۴۴۹)، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. بدون تاریخ کتابت.
- _____ (۱۳۸۴). دیوان بیدل دهلوی (جلد ۲). تصحیح خلیل الله خلیلی، به اهتمام مختار اسماعیل نژاد. تهران: سیمای دانش.
- _____ (۱۳۸۶). آوازه‌های بیدل. تصحیح اکبر بهداروند. تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۹۲). چهار عنصر بیدل، تصحیح سیدضیاءالدین شفیعی. تهران: الهدی.
- _____ (۱۳۹۳). غزلیات بیدل ج ۱. تصحیح و تحقیق سید مهدی طباطبایی و علیرضا قزوه. تهران: شهر آشوب.
- _____ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ حبیب، اسدالله (۱۳۹۳). واژه‌نامه شعر بیدل. به اهتمام سید مهدی طباطبایی، تهران: سوره مهر.
- _____ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- _____ شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوس.
- _____ صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۸). فرهنگ مائورات متون عرفانی، تهران: سخن.
- _____ عمر، ماه‌جبین (۱۳۸۷). ترکیبات خاص بیدل در چهار عنصر، دهلوی نو: مرکز تحقیقات فارسی.
- _____ نظام، سید محمد علی داعی الاسلام (۱۳۶۲). فرهنگ نظام (۵ج)، تهران: دانش.